



با مثبت شدن دوپینگ آرتور تایمازوف از بیکستانی در المپیک ۲۰۱۲ لندن، کمیل قاسمی در آستانه دریافت طلای المپیک قرار گرفته است. آرتور تایمازوف کشتی گیر نامدار از بیکستان که پیش از این مدال طلایش در المپیک پکن به دلیل مثبت شدن تست دوپینگ پس گرفته شده بود، نمونه دوپینگ او در المپیک ۲۰۱۲ لندن نیز پس از چند سال مجدداً آزمایش شده که این نمونه نیز مثبت اعلام شده است. بدین ترتیب مدال طلای او در المپیک ۲۰۱۲ لندن نیز پس گرفته خواهد شد. پیش از این، تست داوید مودز امانشویلی کشتی گیر گرجستانی که نایب‌قهرمان المپیک لندن شده بود نیز مثبت اعلام شده بود و بدین ترتیب قاعداً باید مدال طلای المپیک به کمیل قاسمی از ایران و مدال نقره المپیک به بلال ماخوف از روسیه برسد چرا که قاسمی کشتی گیر بازنده تایمازوف به حساب می‌آید و به این ترتیب با حذف تایمازوف ملی پوش سنگین وزن ایران باید جای او را در رده نخست المپیک بگیرد. البته هنوز اتحادیه جهانی کشتی و کمیته بین‌المللی المپیک رسماً مدال طلای قاسمی را اعلام نکرده‌اند و این موضوع فرآیندی طولانی دارد. قاسمی سومین ورزشکار ایرانی است که پس از کیانوش رستمی و سعید محمدپور صاحب مدال خوش رنگ‌تری در المپیک خواهد شد که تغییر رنگ این مدال‌ها به دلیل دوپینگ رقبای شان بوده است. به این ترتیب با این مدال طلا، تعداد مدال‌های طلای ایران در المپیک لندن به ۶ می‌رسد. رکوردی که با توجه به شرایط فعلی بعید به نظر می‌رسد. به این زودی‌ها بشود تکرارش کرد. اما کمیل قاسمی در خصوص اینکه عنوان کرده بود بعد از طلای المپیک خداحافظی خواهد کرد، اما حالا بعد از خداحافظی اش صاحب مدال طلا خواهد شد با خنده گفت: «شاید خدا خواسته این طور شود. هر چند نمی‌توان لذت قهرمان شدن در رقابت‌ها را با حالا مقایسه کرد چون در همان لحظه طعم ولادت دیگری دارد، اما خدا را شکر که مزد زحماتم را در این سال‌ها گرفتم.»

### سهر ایبان، الگوی برای همتایان

علیرضا سهر ایبان رییس فدراسیون قایقرانی بعد از مجمع عمومی فدراسیون در پاسخ به این سوال که برای حضور در مسابقات جهانی آب‌های آرام از او دعوت شده و آیا به این سفر می‌رود، عنوان کرد: «به رومانی نخواهم رفت چون اگر یک تیم جوان بتواند در این مسابقات شرکت کند، سابقه خوبی برای قایقرانی خواهد بود. نبی رضایی دوره قبل مسابقات جهانی توانست عنوان سوومی را کسب کند که به رومانی اعزام خواهد شد. در مورد سفر میجرستان هم تصمیم گرفتم سرپرستی را بر عهده یکی از مربیان بگذارم و به جای خادم یک ورزشکار جوان راهی مسابقات شود. امیدوارم این برنامه‌ریزی من به پیشرفت بچه‌ها کمک کند، همه نباید دنبال سفر باشیم با توجه به اینکه وزیر ورزش هم این موضوع را عنوان کرده من صلاح دانستم ورزشکار به جای من برود. البته در مجامع عمومی فدراسیون‌های جهانی حتماً باید حضور داشته باشم.» اینکه رییس جوان قایقرانی چنین تصمیمی گرفته و فرصت را به جوان‌ها داده است، بسیار قابل ستایش است. او با این تصمیم می‌تواند الگوی مناسبی باشد برای بسیاری از روسای فدراسیون‌ها که دست رد به سینه هیچ سفری نمی‌زنند. به عنوان مثال رامین طباطبایی رییس فدراسیون بسکتبال که به دلیل همراهی بی‌مورد با تیم بانوان مورد انتقاد شدید قرار گرفته است، یا رییس دوومیدانی که شاید بیشتر از صندلی ریاست، روی صندلی هواپیمانشسته و همه‌ورا به عنوان رییس همیشه در سفر می‌شناسند. او حتی در صحبت‌های اخیرش رفتن به این سفرها را وظیفه و جزو مسئولیت‌های رییس فدراسیون عنوان کرد؛ یا حتی افسشین داوری که تصمیم داشت مسئولیتش در قبال تیم ملی والیبال را با همراهی والیبالیست‌ها در آمریکا انجام بدهد که البته فشار رسانه‌ها این امکان را به او نداد و در نهایت او به بهانه‌های اعلام انصراف کرد.

### برای مارکار، سروش، شایان و دیگران

# سکوت را امتحان کنید!

«اگر حرف زدن بلد نیستید، لاقل حرف نزدن را بلد باشید.» این جمله، بارها و بارها برای همه ما تکرار شده اما کم‌تر کسی وجود دارد که در واقعیت توجه چندانی به آن نشان بدهد. بحران مصاحبه‌های بی‌دلیل و حرف‌های در دسر ساز در فوتبال ایران، یک بحران بزرگ و جدی به شمار می‌رود. اگر باور ندارید به مصاحبه‌های همین چند روز چهره‌های سرشناسی مثل سروش رفیعی و مارکار آقاجانیان نگاه کنید. آنها قصد دارند با چند جمله، اوضاع را به سود خودشان تغییر بدهند اما در عمل، بزرگ‌ترین ضرر به ممکن را به شخصیت حرف‌های خودشان می‌زنند.



### آر باز هنوز

در میزانشی شبیه به تولیدات یک دهه قبل سینمای هندوستان، «مارکار آقاجانیان» با بغض روبه‌روی دو خبرنگار نشسته تا رنج‌های روزهای حضور روی نیمکت تیم ملی را بازگو کند. دستیار سابق کارلوس کی‌روش که برخلاف سایر اعضای کادر فنی مرد پر تنگالی جایی روی نیمکت تیم ملی کلمبیا نداشت، مدعی شده که بعضی‌ها او را به دلیل ارمنی بودنش

### چهره به چهره

نگاهی به مربیان نام‌آشنا که دیگر جایی در لیگ برتر ندارند

## سال‌های دور از خانه

### آر باطاری

کمی قبل از شروع فصل جدید رقابت‌های لیگ برتر، تمرکز رسانه‌ها روی سرمربی‌های خارجی حاضر در فوتبال ایران قرار دارد. باید پذیرفت که مربیان داخلی در سال‌های گذشته عملکرد چندانی درخشانی نداشتند و واژه‌های عمومی درباره حضور آنها روی نیمکت تیم ملی و تیم‌های بزرگ باشگاهی شکل گرفته است. به مرور زمان، مربیان مطرح‌زبانی از چرخه مربیگری لیگ خارج شده‌اند و گروه دیگری نیز نفس‌های آخرشان را در سطح اول فوتبال ایران می‌کشند. مشکل عمده مربیان حذف شده، این است که نتوانسته‌اند خودشان را با تغییرات روز فوتبال وفق بدهند و هنوز هم در گذشته زندگی می‌کنند.

### محمد مایلی‌کهن

از آخرین حضور مایلی به عنوان سرمربی در سطح اول فوتبال ایران، حدود ۶ سال سپری شده است. او پس از ترک صبا، قم، برای مدتی مدیرفنی تیم امید بود و پس از شکست خوردن در

### سوژه روز

درباره ستاره‌های مغضوب آنتونیو کونته

## سیگار، حاشیه و تنبلی!

اولین شکست آنتونیو کونته به عنوان سرمربی اینتر مقابل منچستر یونایتد، همان تصویر خشمگین آشناراز او به جا گذاشت. مرد ایتالیایی همیشه از شکست متنفر بوده و به هیچ قیمتی نمی‌خواهد بخشی از یک شکست باشد. او پایان خوبی در جلسه نداشت و حالا در بازگشت به فوتبال ایتالیا، امیدوار است دوباره به روزهای درخشان دوران مربیگری‌اش برگردد. تقابل این مربی با یوونتوس، حواشی جالب توجهی به دنبال داشت اما اصلی‌ترین مساله این روزها نراتوری، نقل و انتقالات تابستانی است. درست بعد از واگذار کردن نتیجه دیدار دوستانه به منچستر یونایتد، کونته در کنفرانس خبری از ایوان پریشیچ

به سبک برنامه‌های مناسبی احسان علیخانی، مردم را تحت تأثیر قرار بدهد. حیرت‌انگیز است که گروهی از مردم واقعا تحت تأثیر هم قرار گرفته‌اند. در این ماجرا اما فقط برای جایگاهی اشک ریخت که برای مدت‌ها در اختیار یک مربی نه‌چندان شایسته و کاربلد قرار داشت. جایگاهی که اگر به یک مربی مستعد ایرانی می‌رسید، آینده تیم ملی را تضمین می‌کرد.

هم‌زمان با مصاحبه جنجال‌برانگیز کمک‌مربی سابق تیم ملی، مهره‌های مازاد پرسپولیس نیز هر روز مقابل ساختمان باشگاه ماجرای تازه‌ای به وجود می‌آورند. سروش رفیعی پس از قرار گرفتن در فهرست بازیکنان اضافی باشگاه، با انتشار یک فیلم از خودش در ترکیه به شدت از مدیرعامل پرسپولیس انتقاد کرد. او البته توضیح نداد که چرا گناه‌آلود بودنش را به گردن دیگران می‌اندازد. سروش هر روز با کنایه‌های تازه از راه می‌رسد و شایان مصلح نیز با کم‌نمک‌ترین شوخی‌های تاریخ، مدیرعامل باشگاه را کنایه‌باران می‌کند. البته که ایرج عرب در تمديد قرارداد با مصلح عجله به خرج داد و مگر اشتباه‌بزرگی شد اما تصمیم در مورد این دو بازیکن، از سوی سرمربی اتخاذ شد و هیچ ارتباطی به این مدیر نداشت. دلیل تأخیر در فسخ قراردادهای این دو نفر نیز حالا دیگر مشخص شده است. آنها تنها در صورتی از پرسپولیس جدامی شوند که رقم‌زبانی از مبلغ قرارداد فصل آینده را دریافت کنند. شاید اگر برای شایان و سروش «پول» از همه چیز مهم‌تر نبود، حالا آنها هم پایه‌های تیمی‌های سابق پیشرفت کرده بودند و در لیست مازاد سرمربی جدید قرار نمی‌گرفتند. همه اظهار نظرهای عجیب این روزها به کمک‌مربی سابق تیم ملی و

تیم ملی با بزرگساری (و یا به عبارت بدبینانه‌تر ساده‌انگاری) درباره نقش مارکار آقاجانیان در تیم ملی از اوسوال نمی‌کنند. از اونی پرسند که حضورش در همه این سال‌ها چه دستاوردی برای فوتبال ایران به همراه داشته است و از او نمی‌پرسند که چرا نقش چند بازیکن در تیم کی‌روش، از او به عنوان یک دستیار مهم‌تر بوده است. مارکار باید به سوال‌های زیادی جواب بدهد اما مظاهرا تاکتیک فرار رو به جلو امتحان کرده و امیدوار است مصاحبه بغض‌آلودش

است. بدون تردید همه آنها بی‌کسروی انتخاب مربی ایرانی برای نشستن در کنار کی‌روش اصرار داشتند، به خوبی می‌دانستند که آقاجانیان هم ایرانی است و سابقه بازی در تیم ملی ایران را نیز دارد. با این وجود اصرار آنها تنها برای انتخاب یک مربی ایرانی «خوب» برای تیم ملی بود. نه یک مربی که چند ماه پس از جدایی کی‌روش، همچنان بدون تیم مانده و حتی یک پیشنه‌ها از تیم‌های حاضر در دسته سوم فوتبال ایران نندارد. هواداران

متعلق به «ایران» نمی‌دانند و به همین خاطر در سال‌های گذشته دائماً از لزوم حضور یک مربی ایرانی در کنار کی‌روش حرف زده‌اند. همراه شدن با این بغض و هم‌داستان شدن با زاویه روایت مارکار کار دشواری نیست اما شاید بهتر است طرفداران فوتبال در ایران گاهی هم کارهای سخت‌تر را انجام بدهند و به جای پیوستن به موج گلایه‌ها، کمی پرسشگر تر باشند. آن چه مارکار در مصاحبه تازه‌اش به زبان آورده، تعریفی الکن از واقعیت

بدون تردید همه آنها بی‌کسروی انتخاب مربی ایرانی برای نشستن در کنار کی‌روش اصرار داشتند، به خوبی می‌دانستند که آقاجانیان هم ایرانی است و سابقه بازی در تیم ملی ایران را نیز دارد. با این وجود اصرار آنها تنها برای انتخاب یک مربی ایرانی «خوب» برای تیم ملی بود

البته اخراجی‌های پرسپولیس، مربوط نمی‌شود. در شرایطی که فوتبال ایران در سخت‌ترین وضعیت ممکن قرار گرفته، رییس فدراسیون فوتبال هر روز وعده تازه‌ای می‌دهد و ظاهر ا قصد ندارد قید وعده میزبانی مشترک با قطر در جام جهانی ۲۰۲۲ را بزند. اگر مهدی تاج کمی سکوت کند و در این مورد هیچ نکته‌ای بر زبان نیاورد، اصلاً چنین انتظاری در فوتبال ایران شکل نخواهد گرفت اما تازمانی که او به صحبت در این مورد ادامه بدهد، بخشی از مردم هنوز به این اتفاق غیرممکن امیدوار می‌مانند تا در آینده بسا یک نامیدی بزرگ روبه‌رو شوند. این سکوت در نهایت به سود خود تمام خواهد شد. همان‌طور که مارکار آقاجانیان، سروش رفیعی و شایان مصلح باید در سکوت به دنبال پیشرفت باشند و به جای توجیه‌ناکامی‌ها با مقرر خطاب کردن دیگران، اشتباه‌های گذشته را جبران کنند. تازمانی که مارکار دانسته‌های فنی را جایگزین بغض نکند و تازمانی که سروش و شایان به جای شوخی به دنبال تمرین برای رسیدن به آمادگی بیشتر نباشند، هیچ اتفاق مثبتی برای آنها رقم نمی‌خورد.

متصور بودند. برخلاف مربیان قبلی این لیست، او هنوز جوان است و فرصت کافی دارد اما عملکرد صالح به عنوان سرمربی، ابتدا قابل دفاع نبوده است. مجید صالح در سال‌های گذشته به عنوان دستیار نیز بارها با مربیان مختلف دچار چالش شده است. او فصل گذشته دستیار حسین فرکی در تیم پیکان بود. بعید به نظر می‌رسد این مربی در آینده‌ای نزدیک به عنوان سرمربی به یک تیم لیگ برتری برگردد.

### فرهاد کاظمی

پس از هدایت سیاه‌جامگان در سال ۹۵، فرهاد کاظمی دیگر در لیگ برتر پذیرفته نشده است. او که زمانی یکی از بهترین مربیان فوتبال ایران بود برای اولین بار یک باشگاه شهرستانی را قهرمان لیگ برتر کرد. این سال‌ها در لیگ یک فعالیت می‌کند و البته در آن سطح نیز چندان موفق نشان نداده است.

### صمد مرافی

سرمربی ساکت و کم‌حرف یک دهه قبل استقلال، هیچ‌وقت بازی‌های لازم را برای تبدیل شدن به یک مربی بزرگ پیدا نکرد. سقوط صابا، پایان دوران مربیگری مرافی در لیگ برتر را رقم زد. در چند فصل گذشته، هیچ باشگاهی در لیگ برتر ریسک انتخاب او به عنوان مرد اول نیمکت را نپذیرفته است.

رقابت‌های لیگ برتر ماندگار نشد و نه توانست جایگاهش را به عنوان یک کارشناس ثابت تلویزیونی حفظ کند. در باره سرمربی اسبق باشگاه سایپا، روایت‌های اسرارآمیز زیادی وجود دارد که بخشی از آنها در برنامه ۹۰ مطرح شده‌اند. شاید همین حرف و حدیث‌ها موجب شده باشگاه‌های ایرانی دیگر به سراغ این مربی نروند.

### حمید درخشان

او آخرین سرمربی پرسپولیس پیش از شروع دوران رویایی برانکو ایوانکوویچ بود. پرسپولیس با درخشان بدترین نتایج ممکن را پشت سر گذاشت اما این روزهای بد بالاخره با ورود مرد کروات به پایان رسیدند. او پس از پرسپولیس، در خونه‌به‌خونه و نفت تهران نیز موفق نشد. درخشان در این چند سال به جز گاهی مواقع مصاحبه درباره پرسپولیس و بازی در سریال پژمان، دیگر توی چشم نبوده است.

### بیژن ذوالفقار نسب

یک دهه از آخرین روزهای حضور مربی شیفته فوتبال دفاعی در لیگ برتر می‌گذرد. فوتبال اروپا مربیان ۶۹ ساله‌ی زیادی دارد اما داکتر بیژن از حوالی ۶۰ سالگی به بعد، دیگر در لیگ برتر دیده نشده و دوران طولانی بازی‌نشستگی را پشت سر می‌گذارد.

### مجید صالح

خیلی‌ها برای مجید صالح، آینده‌ای درخشان

نداشت. آخرین فرصت او برای بازگشت، هدایت سپاهان در هفته‌های پایانی لیگ هفدهم بود که به یک شکست بزرگ انجامید.

### غلامحسین پیروانی

تصمیم او برای رفتن از فجر سپاسی، هم‌به‌ضرر باشگاه و هم به ضرر خود این مربی تمام شد. فجر بعد از مدتی از لیگ برتر سقوط کرد و پیروانی نیز در تیم ملی امید، موفقیتی به دست نیاورد. شاعلام از مدت‌ها قبل دیگر در حوالی لیگ برتر آفتابی نشده و شعرهای معروفش را برای هواداران فوتبال نخوانده است.

### پرویز مظلومی

هیچ‌کس انتظار نداشت در شروع لیگ برتر پانزدهم، پرویز مظلومی جانشین امیرقلعه‌نویی شود اما مدیران باشگاه استقلال این تصمیم را عملی کردند. پرویز بازمهم نتوانست ناجی استقلال باشد و این بار تیم را بدون کسب جام ترک کرد. شکست سنگین در دربی، آخرین بار قه‌های امید را نیز از این مربی گرفت. او در چند فصل گذشته به عنوان عضو کمیته فنی باشگاه استقلال مشغول فعالیت بوده و دیگر بعید به نظر می‌رسد شانس برای حضور در رقابت‌های لیگ برتر به عنوان سرمربی داشته باشد.

### مجتبی تقوی

مجتبی تقوی نه به عنوان سرمربی در

در لباس این باشگاه دیده نخواهد شد. راجا اینگولان نیز بازیکن مورد علاقه کونته به شمار نمی‌رود و قرار است تغییراتی بزرگ در باشگاه اینتر شود. اونیز باید به دنبال تیم تازه‌ای در بازار نقل و انتقالات برای خودش باشد. هر کدام از اخراجی‌های فصل جدید اینتر، ویژگی خاصی دارند که سرمربی تیم نمی‌تواند با آن ویژگی‌ها کنار بیاید. پریشیچ در زمین دوندگی و پرس‌چندانی را به نمایش نمی‌گذارد و این مساله به هیچ‌وجه برای مربی سختگیری مثل کونته پذیرفتنی نیست. او برای ماندن در تیم، باید چند برابر بیشتر بدود اما شاید دیگر توان کافی را نداشته باشد. در تیم اسپالتی به چنین مساله‌ای توجه نمی‌شد اما حالا قرار است در اینتر همه چیز متفاوت باشد. چندان فصل گذشته پیش برود. مائورو ایکاردی نیز به خاطر حواشی زندگی شخصی، دیگر نمی‌تواند در اینتر بماند. کونته

همیشه با بازیکنان حاشیه‌ساز مشکل داشته و همین خاطر مخالف سرسخت بازگشت ایکاردی به تیم است. بدون تردید مائورو، یکی از بهترین مهاجمان نوک حال حاضر دنیای فوتبال محسوب می‌شود اما کونته همیشه شیفته بازی روملو لو کاکو بوده و قصد دارد او را برای تیمش جذب کند. موراتا و هیگواین گزین‌های بعدی این مربی هستند که عملاً هیچ‌کدام‌شان در فرم خوبی قرار ندارند. راجا اینگولان نیز به خاطر سبک زندگی‌اش از اینتر تبعید خواهد شد. او آزادانه سیگار می‌کشد و هیچ‌وقت این مساله را پنهان نمی‌کند. کونته اما در تیمش به نفراتی دقیق، منضبط، بی‌حاشیه و پر تلاش نیاز دارد. او می‌داند که تبدیل کردن اینتر به یک تیم مدعی تنها با چنین بازیکنانی ممکن می‌شود.

